

**نویسنده:** اولسن گونار (Ulson Gunnar).

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2017-05-17».

**برگردان:** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

---

## آخرین مرگ در افغانستان: بازگشت مجدد تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا به هلمند

*Last to die in Afghanistan: US Marines Back to Helmand*



در حدود (300) نفر از تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا بار دیگر در ولایت هلمند مستقر شدند؛ افغانستان طی سال‌های بین (2009) و (2014) میزبان بالاتر از (20000) تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا در هلمند بود که علیرغم تلاش‌های همه‌جانبه بوضوح مواجه به شکست شد و هرگز نتوانست که امنیت را در ولایت هلمند برای رژیم دست‌نشانده و نصب‌شده خود در پایتخت کشور کابل تا مین نماید. با آخرین استقرار نیروهای آمریکایی در افغانستان که بعد از تصمیم به ختم و پایان دادن «عملیات‌های جنگی» در «جنگ افغانستان» در سال (2014) صورت گرفت بعداً چندین واقیعت‌ها یکی بعد از دیگری در هاله و اطراف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا که بطور مستقیم با روایت‌های سیاسی واشنگتن در تضاد بود در معرض نمایش قرار گرفت.

**جنگ تمام‌نشده است:**

ایالات متحده آمریکا با اعضای ائتلاف خود از مدت (16) سال تا به همین اکنون بر علاوه از اشغال افغانستان؛ درگیر در جنگ مانده اند و تا هنوز نتوانسته‌اند که جنگ را در این سرزمین پایان دهند، چه رسد به دستاوردهای آنها که نه تنها کدام دستاورد

چشمگیری دارند و نه کدام موفقیت قابل تمجید بلکه اکثر بخش های ولایات افغانستان از کنترل رژیم دست نشانده امریکا خارج و تحت کنترل مخالفین دولت قرار گرفته است ، تاجیکه حتی آنها یک در تحت کنترل رژیم کابل باقی مانده اند شد بداً اعتراض خود را نسبت بی امنی علیه دولت ابراز میدارند که هیچ چشم اندازی بر ختم جنگ دیده نمیشود .

جنگجویان مقاوم و یا مخالفین دولت افغانستان در برابر اشغال امریکا و رژیم مشتری و دست نشانده تحت حمایت امریکا دست به تاسیس شبکه های دورتر در خارج از مرزهای افغانستان زده اند که نیروی های ایالات متحده امریکا به آنجا نتواند برسند و در کنار آن همسایگان افغانستان پیوسته در تلاش آنند تا روند آغاز شده عملی صلح بین گروه هایی مانند طالبان و جناح های دیگر با دولت افغانستان را مواجهه به شکست سازند و قبایل را در این منطقه از رسیدن به ثبات دراز مدت برهانند و ایالات متحده امریکا را در این راستا پیوسته سفارش داده اند تا به ایجاد و حفظ یک نظام سیاسی مصنوعی تلاش بخرج دهد .

تلاش های مبنی بر ساخت (ملت سازی) به فراموشی سپرده شده است ؛ پیمانکاران خارجی و سازمانهای غیر دولتی همه و همه به دنبال سود و بهره در تلاش و فعالیت هستند و هیچکس و یا هیچ یک مقام در داخل افغانستان هیچ علاقمندی واقعی بخاطر اعمار و سازندگی این کشور از خود نشان نمیدهند .

تلاش و زحمت برای ساخت نوع حکومت های محلی و تقویه نیروهای نظامی افغان نیز مواجهه به شکست بوده است، چونکه ساخت و ساز همچو حکومت های محلی با اهداف ایالات متحده امریکا و با آرمان های واقعی مردم امریکا سازگار و همسان نمیشد و آن اینکه امریکایی ها خود در پی تلاش ساخت و ساز نسخه ای حکومتداری از نوع خود میباشند .

نیویارک تا یمز در یک مقاله تحت عنوان « تفنگداران دریایی ایالات متحده امریکا به ولایت هلمند افغانستان برای اجرای یک ما موریت سپرده شده که آنها فکر میکنند که این ما موریت را بسر خواهند رساند با زگشت نمودند و در راستای این ما موریت وضعیت کنونی ولایت هلمند را چنین توضیح میدهد:

« این تفنگداران دریایی امریکا در بازگشت خود به ولایت هلمند تلاش بخرج خواهند داد تا سربازان و پولیس افغانستان را بخاطر دفاع از مرکز ولایت هلمند آموزش نظامی دهند که البته این ما موریت فارغ از دشواریها نخواهد بود چونکه همین اکنون طالبان کنترل هفت اونسوالی از جمله (14) اونسوالی هلمند را در تحت تصرف خود دارند و در پی آن اند تا پنج اونسوالی دیگر این ولایت را نیز تحت کنترل خود در آورند دولت افغانستان تا حال تنها کنترل دو اونسوالی مربوط هلمند را کاملاً بدست دارند این موضوع را مقامات رسمی دولت افغانستان طی یک نشست خبری ارایه نمود .»

نحوه کار و مأموریت تفنگداران دریایی امریکا معمولاً این چنین است که شهرها و نواحی یا اولسوالی ها را با یک هجوم ناگهانی از تصرف مخالفین دولت آزاد میسازد و بمجردیکه آزان شهرها و نواحی به تصرف آورده بیرون میشوند آن ساحات دوباره بدست مخالفین مسلح سقوط میکند این همان نوع ما موریتی است که سیاست خارجی امریکا به آن از مدت ها قبل آشنای دارد و این نوع ما موریت ها را بار بار امریکا در جنوب شرقی آسیا انجام داده است و پیوسته تلاش ورزیده که اراده سیاسی خود را بر مردم ویتنام تحمیل نماید .

امریکا در نهایت امر در ویتنام به یک شکست مفتضح مواجهه شد و بعد از آن مردم و ملت ویتنام قادر به تعیین سرنوشت آینده خود شدند ؛ ترس و رعب بیش از عواقب ایجاد یک ویتنام کمونسیت تا ثیرات خود را در سراسر قاره آسیا بجا گذاشت و بدین سان اکثر ملت ها و کشورهای شامل در قاره آسیا در تحت نفوذ و کنترول اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونسیت قرار گرفتند اما مردم ویتنام سرسختانه مخالف دیکته و مشورهای همسایگان خود بودند هما نظوریکه مخالف مهاجمان فرانسوی و امریکایی بودند . چنانچه افغانستان نیز هیچ کدام تفاوتی از آن نداشته است .

### جنگ هیچ ربطی با تروریزم نداشت :

اساس و بنیاد تمامی واصلی آغاز تهاجم بر افغانستان تحت اراده و نیت مبارزه با تروریزم بود و آنهم مبتنی بر حمله در (11) سپتمبر سال (2001) در شهر نیویارک ، واشنگتن دی سی و پنسلوانیا که در اثر این حمله تروریستی نزدیک به (3000) نفر زندگی خود را از دست دادند و کشته شدند و امریکا بخاطر انتقامجویی و سرزنش نمودن القاعده و رهبر ارشد آن سازمان تروریستی یعنی اسامه بن لادن که در افغانستان مستقر بود بر افغانستان حمله و تهاجم نمود .



بگفته ای بعضی ها زمان وقتاً فوقتاً چنان گردش مینماید همچو که ایالات متحده امریکار او امیدارد که عملیات های چند نظامی خود را علیه القاعده و یا در تحت نام القاعده اجرا نماید و بدین اساس بیمورد هم نیست از اینکه مجدداً تفنگداران دریایی خود را به

ولایت هلمند افغانستان اعزام مینماید که این خود نشانی از تلاش های ایالات متحده امریکا در آینده بخاطر حفظ و کنترل بر دولت های آسیای مرکزی میباشد یعنی هدف اصلی امریکا پیدا کردن دسترسی به تسلط بر کشورهای آسیای مرکزی میباشد. در واقع مقاله نزدیک به ذکر بیش از یک هزار واژه نشر شده در داخل نیویارک تایمز همه و همه در مورد بازگشت تفنگداران دریایی ایالات متحده امریکا به ولایت هلمند مختص شده در حالیکه در این مقاله یک کلمه و یا یک واژه در مورد القاعده و تروریسم به نظر نمی آید و اصلاً روی آن تماس گرفته نشده است.

جای بسا تا سف در اینجا است که تروریست های اصلی و واقعی از جمله القاعده عمدتاً توسط ایالات متحده امریکا و متحدین گوش بفرمان او بطور خاص در سوریه تسلیح و تجهیز میشوند به آنها آموزش داده میشود و در پهلوی اشکال از حمایت ها کمک مالی و پولی نیز میشوند و بخاطر تغییر رژیم درد مشق جنگ های نوبتی را تقویه مینمایند که اکنون از هیچ کسی پنهان و پوشیده باقی نمانده است.

مخرج و یا وجهه مشترک سیاست خارجی ایالات متحده امریکا چنین به نظر می آید که واشنگتن با اراده و میل خود میخواهد اراده سیاسی خود را در منطقه بالای کشورها در پیشدستی با «تروریسم» بشکل شکننده ترین بهانه تحمیل نماید و تروریسم را در زمان های دیگر صریحاً بعنوان ابزاری برای انجام سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار دهد.

### امریکا ورژیم دست نشانده ای ناخواسته ای آن :

در آخر و یا در پایان این مقاله منتشره در روزنامه نیویارک - تایمز با تاکید چنین از عان شده است :

« اما بزرگترین مسأله و چلنج برای تفنگداران دریایی ایالات متحده امریکا در ولایت هلمند کمک به نیروهای امنیتی افغان بخاطر بدست آوردن و نگهداری مجدد قلمروهای از دست رفته در آن ولایت میباشد؛ عبدالجبار «قهرمان» فرستاده سابق رییس جمهور اشرف «غنی» مسول عملیات ها در ولایت هلمند طی یک نشست خبری گفت : مردم هلمند از مدت های طولانی در جنب نیروهای افغان بودند اما هر باری که دولت و نیروهای امنیتی افغان شکست خورده اند توسط جمعیت غیر نظامی بوده از اینکه دولت ایشان را وقتاً فوقتاً به دشمن بیرحم رها کرده است او در ادامه صحبت خود افزود که این انتظار باید برده شود که نیروهای امنیتی افغان باید با تلاش همه جانبه در پی اعتماد دوباره مردم جد و جهد نمایند .

او در ادامه صحبت خود یادآور میشود که بین نیروهای امنیتی افغان و مردم محلی هیچگونه تماس صورت نمیگیرد و از همین جهت است که مردم به وعده های نیروهای امنیتی افغان قطعاً باور و اعتماد ندارند و آن اینکه این نیروهای امنیتی افغان اکثراً

در پایگاه های خود باقی می ماند و هرگز از پایگاه های خود خارج نمیشوند و با مردم محل به تماس نمی آیند .

حال کاملاً روشن شده است که مشکل عمده نه فقط طالبان هستند بلکه دستور کار ایالات متحده امریکا نه تنها در ولایت هلمند بلکه در داخل افغانستان و در خارج از افغانستان ناقص و مشکل قابل ملاحظه است .

و آن بدین مفهوم که ایالات متحده امریکا بفرض تحمیل یک نظم سیاسی مختص بخود در تلاش و در خدمت خود است که بتواند حتی ولو به قیمت صلح ، وثبات و امنیت در کل منطقه این سیاره تمام شود منافع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود را برآورده سازد - یا بعباره ساده امریکا بخاطر تا مین منافع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی خود حتی در صد د تامین صلح و ثبات و امنیت در هیچ نقطه از جهان نیز نمیباشد



مستقر شدن (300) نفر از تفنگداران دریایی ایالات متحده امریکا در ولایت هلمند افغانستان همچو وحی و یا الهامی میتواند باشد مبنی بر اینکه جنگ طلبان امریکا یکبار دیگر این سربازان را مواجهه به خطرات زندگی و از دست دادن اعضای بدن شان محضاً بخاطر تامین هدف مهم و تحقق اجندای جیوپولیتیک جدید به ازمایش قرار میدهد بدون آنکه منافع مردم امریکا و مردم افغانستان را در نظر داشته باشند .

بوضوح میتوان گفت که امریکا بخاطر بالا بردن امنیت ملی خود نتوانست با اشغال طولانی پرهزینه افغانستان دستاوردی داشته باشد و اشغال افغانستان خود ضعف و عدم ثبات تاکتیکی و استراتژیکی و بی عرضگی جیوپولیتیک و افشای حرص و طمع خطرناک و کوتاه نظری سیاست خارجی امریکارا نشان داد و اصلاً دانسته نشد که منطق اینقدر مصارف دراز مدت بخاطر تحقق و پیاده سازی برنامه های ایالات متحده امریکا در چه نهفته بود ؟

در صورتیکه با حضور (20000) تفنگداران دریایی خود ایالات متحده امریکا در چند سال گذشته با وجود حمایت بیدرغ نیروهای «ناتو» در ولایت هلمند افغانستان نتوانست ثبات را تامین نماید پس با این (300) تفنگداران دریایی خود چطور قادر خواهد شد

که در این ولایت جنگ زده صلح و مصونیت را تامین نماید - از وضع چنین بر می آید که حالات کنونی در افغانستان همسان مراحل اخیر جنگ ویتنام میباشد و آن اینکه سیاست گذاران ایالات متحده امریکا این تعداد تفنگداران دریایی را به (مرگ آخرین) به افغانستان تعیین نموده اند و آنهم بخاطر (صرفه جوی در چهره ها) هرچندی که در طول (16) سال سپری شده در افغانستان نه تنها که (صرفه جویی در چهره ها) صورت نگرفت بلکه افغانستان را به یک مخروبه مبدل ساختند و مردم را از دهشت و ترور و خشونت نتوانستند در امان حفظ نمایند .

**معرفی نویسنده:** اولسن گونار تحلیلگر جیوپولیتیک ؛ مستقر در نیویارک و نویسنده بویژه ای برای مجله آنلاین «New Eastern Outlook» .

----- **با تقدیم احترامات «2017-05-23»**